

کتابخانه فیضیه قم

نوشته دانشمند محترم

آقای سید محمد بهشتی

مبارزه با تحریف

یکی از هدفهای پیغمبر اسلام

تحریف ، تحریف دین ، عوامل
تحریف ، تحریف در دین یهود و
نصاری ، تحریف عامل مؤثر برای
اختلاف پیروان يك دین ؟ مبارزه
با تحریف یکی از موجبات بعثت
انبیاء ، آبادر دین اسلام تحریف راه
یافته ؟ اگر راه یافته برای آن چه
فکری شده ؟ !
لزوم تشکیل يك مرکز تحقیقات
اسلامی ، آنچه باید در این مرکز
مراعات شود .

مشتمل بر مباحث :

شوریه شگاه علوم

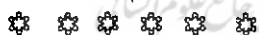
پرتال جامع علوم

روز مبعث سال ۱۳۸۲ هجری قمری انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران، طبق معمول چند سال اخیر، درخانه دانشجویان، یعنی کوی دانشگاه تهران در امیرآباد جشنی برپا کرده و ارا اینجانب دعوت کرده بودند تا در آن بزم فرخنده اسلامی شرکت و پیرامون یکی از مسائل مربوط به بعثت رسول اکرم (ص) صحبت کنم. با اینکه بعثت نداشتن فرصت پذیرش اینگونه دعوتها برایم مشکل بود علائق بی شائبه و صمیمیت برادران مسلمان دانشجوی در برگزاری این جشن و فعالیتهای مؤثر و سودمند دیگری که در راه هدف خود دارند چنان در من اثر کرد که نتوانستم دعوتشانرا نپذیرم و از انجام خواسته آنان عذر بخواهم

توفیق رفیق آمد و آنروز در محفل گرم و پر شور و هیجان برادران دانشجوی حاضر شدم محفلی بس باشاط بود. جمعی از جوانان مسلمان و فعال دانشگاه تهران در سالنی که شاید بزرگترین جای سرپوشیده خانه آنان بودند نمیتوانست بیش از پانصد نشونده را در خود جای دهد دورهم جمع شده بودند تا هزار و سیصد و نود و چهارمین و با پنجمین سالگرد بزرگترین رستاخیز دینی خود را جشن بگیرند. عده ای از علما و فضیلاب روحانی از طهران و قم، چند تن از اساتید دانشگاه تهران و عده ای از طبقات مختلف نیز با علاقه فراوان در جشن این فرزندان برومند جامعه شرکت داشتند. شور و هیجان جشن حاضران را سخت تحت تأثیر قرار داده و کمی جاسب شده بود که عده زیادی از شرکت کنندگان بیرون بایستند آنروز

فرصت نشد از همه قسمتهای کوی دانشگاه دیدن کنم و نمیدانم اصولاً جائی برای برگزاری اینگونه مجالس عمومی دانشجویان پیش‌بینی شده است یا نه. بهر حال ساختن تالاری بزرگ و مجهز در کوی دانشگاه تهران که دست کم ظرفیت دو هزار نفر داشته باشد برای انجام اینگونه فعالیت‌های ارزنده دینی و اجتماعی دانشجویان ضروری است. باشد که از این پس جشنهای متعدد مذهبی با شرکت عده‌ای بیشتر در خانه دانشجویان برپا شود و خود در تقویت علائق دینی و معنوی دانشجویان عامل مؤثری گردد.

آنروز ساعتی پیرامون «مبارزه با تحریف یکی از هدفهای بعثت پیغمبر اسلام ص» سخن گفتم. این بحث مورد علاقه دوستان قرار گرفت و چندی بعد ناشران محترم «مکتب تشیع» پیشنهاد کردند که در نشریه پنجم سالانه مکتب تشیع چاپ و منتشر شود ولی متأسفانه سخنرانی آنروز ضبط نشده بود و ناچار باید مطالب از نوشته‌های تحریر در آید. بنابراین نوشته از صورت سخنرانی خارج شد و بصورت مقاله درآمد و چه بسا با مطالبی که آنروز گفته‌ام کم و زیادی داشته باشد.



در محیط بعثت پیغمبر اسلام ﷺ مسائل معنوی و مادی، فردی و اجتماعی فراوانی وجود داشت که اسلام باید بهمۀ آنها پردازد و حل نهائی آنها را هدف خود قرار دهد. یکی از این مسائل تحریف واقعیات دینی و تاریخی و اجتماعی بود که مخصوصاً تعالیم دینی اهل کتاب یعنی یهود و مسیحیان را مسخ و از صورت اصلی خارج کرده بود.

برای نفوذ تعالیم اسلام در قلوب مردم لازم بود با این تعالیم وارونه که تحت عنوان «دین» در مردم رسوخ کرده بود مبارزه و

برخی از حساسترین نمونه های آن معرفی شود زیرا تا پایه عقائد و تعالیم تحریف شده در قلوب مردم متزلزل نشود خلاء لازم برای پذیرش حقائق بوجود نمیآید .

تحریف

تحریف و انحراف و حرف از يك ریشه است . حرف یعنی طرف و لبه . حرف میز یعنی لبه آن ، میز چهار حرف ، یعنی چهار لبه دارد . هر جسمی که روی زمین قرار دهد چند حرف یعنی چند طرف ، چند بر و چند لبه دارد . برای اینکه وضع قرار گرفتن جسم بر روی زمین متعادل باشد باید نسبت بهمه اطراف و لبه های خود وضع متعادلی داشته باشد و اگر بيك حرف یعنی بيك طرف و لبه خود متمایل شود تعادل خود را از دست میدهد و میافتد . در این حالت میگوئیم جسم دچار انحراف شده است . تحریف یعنی منحرف کردن .

تحریف دین .

یکی از واقعیات انکارناپذیر تاریخ بشر این است که هر دین . هر مذهب ، هر مسلک فلسفی یا اخلاقی یا اجتماعی در پیچ و خم زمان دست خورده میشود و بصورت نخستین خود باقی نمی ماند . شما هیچ مسلک رانمی یابید که بهمان صورت و کیفیت که بنیان گذار اصلی آورده باقی مانده و دستخوش تغییر و تبدل نشده باشد .

این تغییر و تبدل گاهی در جهت تکامل است یعنی دین یا مسلک را در همان جهت اصلی است پیش میبرد و کامل میکند . این را میگوئیم «تکمهیل» و گاهی در جهت تکامل نیست ، بلکه بعکس دین یا مسلک را از جهت خود منحرف و از مسیر اصلی اش خارج میکند این را میگوئیم «تحریف» .

عوامل تحریف .

عوامل تحریف يك دين و مذهب ، يافكر و مسلك ، گوناگون است و ميتوان آنها را در چهار قسمت زير خلاصه كرد :

الف : تمايلات و عاداتی که مردم سالهای متمادی بآنها خو گرفته اند و نمیتوانند بآسانی از آنها صرف نظر کنند . مردمی که گرفتار اینگونه تمايلات و عادات اند اگر بدین یا مسلکی بگردند گاهی بجای آنکه صد درصد تسيلم تعاليم و سنن و قوانین دين یا مسلك بر گزیده خود شوند در صد بر میآیند که با استفاده از تأویل و تفسیر یا کم کردن و زیاد کردن قسمتی از آن تا آنجا که ممکن است آن را بر دلخواه خود منطبق کنند و عادات و تمايلات مأنوس خود را تا سرحد امکان نگهدارند .

ب : دخالت و اعمال نفوذ ارباب قدرت و ثروت و صاحبان زور زور که برای حفظ یا توسعه قدرت و ثروت خود میخواهند از همه وسائل حتی از دين و مذهب استفاده کنند . اینها برای رسیدن بمقصد خود از هیچ چیز مضایقه ندارند هر جا لازم شود وسائلی بر میانگیرند تا حقائق دینی را تفسیر و تأویل یا کم و زیاد کنند تا از قدرت خلاقه آن که معمولاً سدّی در راه مطامع آنها است بکاهند و در صورت امکان آنرا بصورت وسیله ای برای خاضع ساختن زیردستان و تن در دادن آنان بتجاوزات ناروای خویش در آورند .

ج : بر خورد با آراء و عقائد دیگر . هر دین و مسلك در میدان نفوذ خود ناچار با ادیان و مسالک و آراء و عقائد دیگری برخورد میکند در این برخورد ، خواه ناخواه ، برخی از آن آراء بآن دین می چسبند

و باصطلاح: در آن نفوذ میکند حتی در مواردی که در این مواجهدین و مسلک جدید بر ادیان و مسالک دیگر غالب شود باز از نفوذ عقائد خارجی بکلی مصون نمیماند.

د: برخورد با موضوعات و مسائل تازه که حکم آن بصراحت در دین یا مسلک بیان نشده است.

پس از استقرار يك دین یا مسلک پیروان آن با مسائل تازه ای رو برو میشوند که در زمان پیدایش آن نبوده و بعد پدید آمده است. هیچ دین و آئینی نیست که همه مسائل و موضوعات حال و آینده را يك طرح و حکم آنها را بصراحت بیان کند. حکم اینگونه موضوعات باید از قوانین کلی يك دین یا آئین استنباط شود و همین جا است که زمینه مساعدی برای تأثیر سلیقه‌های شخصی یا صنفی فراهم میشود و چه بسا که در دین یا مسلک مورد نظر تحریفی پیش آید.

تحریف در دین یهود و نصاری

در محیط پیدایش اسلام یعنی حجاز بخصوص مکه و طائف و مدینه و اطراف این بلاد دین قابل توجه همان دین اهل کتاب، یعنی یهود و نصاری، بود. عده معدودی هم خود را وارث دین ابراهیم میدانستند. بقیه پیر و آراء و نحلله‌های مختلف بودند و قدر مشترک میان آنها بت پرستی بود. یهود و نصاری ارزش دینی قابل توجهی داشتند.

ملاهای یهود و برخی از رهبانان مسیحی با اینکه طبق نقل مأخذ تاریخی یهود و نصاری، نسبت بملاهای یهود عراق و شام و رهبانان و روحانیان مسیحی روم شرقی و غربی عوام و بیسواد بودند در حجاز تقریباً سر آمد با سوادها شمرده میشدند.

ملاهای یهود و کشیشهای مسیحی بر پیروان این دو گیش عقائد و احکامی را عرضه میداشتند که با حقایق آن دودین آسمانی مغایرت بسیار داشت .

در برخی موارد حقائق دینی را با آنکه خود میدانستند کتمان میکردند و ب مردم نمیگفتند ، و در دسترس عموم قرار نمیدادند با آنکه وظیفه آنها پرده برداری و اعلام حقایق بعموم بود . و از اخذ الله میثاق الذین او تووا الكتاب لتبینه للناس ولا تکتونه فنبذوه و راء ظهورهم واشتروا به ثمنًا قليلا فبئس ما يشترون آل عمران ۱۸۷

و آنوقت که خدا از آنها که کتاب بدیشان داده شده پیمان گرفت که برای مردم کتاب را بروشنی و صراحت خواهید گفت و پنهان نخواهید کرد ، بعد پیمان را پشت سر انداختند و در برابر آن عوضی ناچیز خریدند ، چه بد چیزی میخرند .

کتمان حقائق دینی در آیات متعدد دیگر نیز از روحانیان یهود و نصاری نقل و نکوهش شده است .

گاه هم چیزهائی از پیش خود میساختند و بحساب دین میگذاشتند و منہم امیون لایعلمون الكتاب الا امانی وانہم الا یظنون ۷۸

فویل للذین یکتبون الكتاب بایدیرہم ثم یقولون ہذا من عند اللہ لیشتروا بہ ثمنًا قليلا فویل لہم مما کتبت ایدیرہم و ویل لہم مما یکسبون ۷۹ و قالوا لن تمسنا النار الا ایاما معدودة قل اتخذتم عند اللہ عہدًا فلن یخلف اللہ عہدہم تقولون علی اللہ ما لاتعلمون ۸۰ بلی من کسبت سیئة و احاطت بہ خطیئہ فاولئک اصحاب النار ہم فیہا خالدون ۸۱ و الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجنة ہم فیہا خالدون ۸۲ سورة بقرہ

و برخی از آنها بی سواد مادرزادند کتاب را جز بصورت آرزوها نمی پندارند و گمانی بیش ندارند ۸۷ پس وای بر آنها که بادست خود کتاب هینویسند و بعد میگویند این از جانب خداست تا در برابر آن عوضی ناچیز خرید و وای بر آنها از آنچه دستشان نوشت و وای بر آنها از آنچه بدست میآورند ۷۹

درسه آیه بعد از ملامت سود پرست و دروغ زن بر خدا ادعائی نقل میکند که نمونه‌ای از همان مطالب ساختگی آنها بنام دین است :
و گفتند آتش جز روزهایی چند هرگز بماند بگو آید در پیشگاه خدا پیمانی برای خود گرفته اید تا خدا هرگز خلاف عهد خود نکند یا آنچه نمیدانید بر خدا می‌بندید ۸۰ «عکس» هر که خود کار بد کند و لغزش او و ایرا احاطه کند اهل آتش و در آن مخلد است ۸۱ و آنها که ایمان آورند و کارهای نیک کنند آنها اهل بهشت و در آن جاویدند ۸۲ گاه نیز بتفسیر و تأویل ناروادست میزدند ، آیات الهی را بر اغراض و اهواء خود تطبیق میکردند و از معنای اصلی و حقیقی اش منحرف میساختند
اَفْتَطْمَعُونَ اَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللّٰهِ ثُمَّ يَحْرَفُوْنَ مِنْۢ بَعْدِ مَا عَقَلُوْهُ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ۷۵ بقره

باز هم طمع دارید بشما ایمان بیاورند ، با اینکه دسته‌ای از آنها کلام خدا را می‌شنیدند و بعد از آنکه خوب میفهمیدند ، دانسته آن را تحریف میکردند .

در موارد بسیار این تحریفهای گوناگون : کتمان حقائق دین جعل مطالب بنام دین ، تفسیر و تأویل ناروای آیات و روایات دینی ، فقط بخاطر صاحبان قدرت یا ثروت انجام میگرفت که درازاء خوش

خدمتی این متجاوزین بدین هم بآنها پول میدادند وهم احترام میگذاشتند وهم بازار عوام فریبی آنها را در معا بد گرم و آنا را بر گرده مردم ساده لوح سوار میکردند .

کار تحریف ودست بردن در کتب آسمانی بجائی رسیده بود که شناختن حق از باطل برای احدی میسر نبود . بمتن کتابهای مذهبی دستبرد زده شده بود . تفاسیر تورا و انجیل هم آنچنان را آنچنان تر میکرد . هر رطب و یا بسی که يك ملای معروف بهم بافته بود بحساب و کلام خدا و وحی منزل معرفی میشد و سر رشته حتی از دست ارباب تحقیق اهل نظر هم خارج شده بود .

تحریف عامل مؤثر در اختلاف میان پیروان يك دین

این تحریفهای گچی کننده در تعالیم يك دین خود منشأ اختلاف نظر شدید میان پیروان آن دین میشود رشته وحدت آنها را میگسلد و آنها را بصورت فرقه های متضاد در میآورد و همین تفرق از یکطرف آنها را خوار و بزبون میسازد و فساد های اجتماعی گوناگون ببار میآورد و از طرف دیگر زمینه را برای آیه و حدیث سازی و دروغ پردازی ملامهای سودپرست و پیدایش و رواج خرافات رنگارنگ بنام دین آماده می سازد .

مبارزه با تحریف یکی از موجبات بعثت پیغمبران

وقتی تحریف در دین رخنه کرد و اختلاف و کشمکش میان پیروان يك دین ، پدید آورد ، وسیله ای لازم است که پرده از روی حقائق دین بردارد . آن دسته از حقائق را که علمای دنیا دوست کتمان میکردند آشکارا بگوید ، آنچه را از پیش خود میساختند و بخدا می بستند

بشناساند و آنچه را بکمک تفسیر و تأویل، ناره‌ا از معنی اصلی اش منحرف می‌کردند، بمعنی واقعی خود بر گردانند و باین وسیله به بحث‌ها و کشمکش‌های بی اساس مذهبی که موجب سرگردانی و گمراهی توده متدینین است خاتمه دهد .

پیش از اسلام راه منحصر این بود که در چنین موقعی خداوند پیغمبری تازه مبعوث کند و بمیان مردم بفرستد ، تا مسائل مورد اختلاف را برای آنان بیان کند، زیرا تحریف بهمه مأخذ اصلی دین راه یافته و حتی کتاب آسمانی دین . هم از تحریف مصون نمانده بود .

قرآن کریم در باره بعثت عیسی علیه السلام میفرماید .

و لما جاء عیسی بالبینات قال قد جئتکم با حکمة و لابین لکم بعض الذی تختلفون فیه فاتقوا الله و اطیعون ۶۴ زخرف
چون عیسی علیه السلام با دلائل آمد گفت برای شما حکمت و دانش آورده‌ام و برای آن آمده‌ام که برخی از آنچه در آن اختلاف دارید برایتان روشن کنم ، پس از خدا بترسید و فرمانبردار من باشید .

و در باره بعثت پیغمبر اسلام فرماید :

و ما انزلنا علیک الکتاب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه و هدی و رحمة لقوم یؤمنون ۶۴ نحل
برای اینکه آنچه در آن اختلاف کرده‌اند برایشان روشن کنی و برای راهنمایی و رحمت ، بر مردمی که ایمان آورند .

ان هذا القرآن یقص علی بنی اسرائیل اکثر الذی هم فیه

یختلفون ۷۶ نحل .

این قرآن ؛ بیشتر اموری را که بنی اسرائیل در آن اختلاف و کشمکش دارند برای آنها باز میگوید .

پیغمبر اسلام آیات بسیاری از جانب خدا آورد که بیشتر بروشن کردن تحریفاتی که اهل کتاب در مسائل اعتقادی و عملی بوجود آورده بودند توجه داشت . ملاحای یهود بسیاری از مجرمات از قبیل ربا و ... را با استفاده از کلاههای شرعی که بدین بسته بودند عملاً حلال و رایج کرده و بسیاری از کارهای حلال را بعنوان مختلف و با تشبیه بعنوانین ثانوی و نظائر آن برخورد یا بر مردم حرام کرده و دین خدا را که یک پایه اش ایجاد تسهیلات لازم و سوده‌ند برای عموم است بصورت باری سنگین بردوش مردم در آورده و آنرا از راه فطرت منحرف ساخته بودند پیغمبر اسلام همه این کجرو یها را بیان کرد و راه راست را پیش پای مردم نهاد .

آیا دردین اسلام هم تحریف راه یافته ؟ اگر راه یافته برای آن چه فکری شده ؟

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا دردین اسلام نیز تحریف راه یافته است ؟

همانطور که در آغاز مطلب گفته شد ، تحریف آفت عمومی ادیان و مذاهب و مسالك است و دین اسلام نیز از این آفت عمومی نمیتوانست مصون بماند .

بلافاصله پس از وفات پیغمبر ﷺ و حتی در زمان خود آنحضرت عده‌ای بجعل حدیث و روایت پرداختند ، سخنانی از پیش خود ، بر طبق امیال و مقاصد خویش ساختند و به پیغمبر ﷺ نسبت دادند و بسیاری از

مسائل حساس را از مجرای اصلی خود منحرف کردند: شاید نخستین مسأله مهمی که در آن تحریف کار خود را کرد مسأله خلافت پیغمبر صلی الله علیه و آله بود در مجمع بزرگی که از صحابۀ پیغمبر و بیشتر سران مسلمین در سقیفه بنی ساعده تشکیل شد، در تعیین قائداً مت‌ور رئیس حکومت و جانشین پیغمبر صلی الله علیه و آله تردستی‌هایی بکار رفت و در يك موقعیت حساس که مسأله بر سر دو راهی قرار گرفت يك حدیث از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله خوانده و تحریف شد و کار را بنفع ابوبکر یکسره کرد. حدیث آنطور که در کتب عامه و خاصه از طرق مختلف نقل شده باین مضمون بوده: **الائمة بعدی اثنی عشر کلهم من قریش** پس از من پيشوایان دوازده نفرند. همه آنها از قریش‌اند. و در برخی روایات همین باب این اضافه را هم دارد که: **تسعة من صلب الحسين والمهدی منهم**: نه تن آنها از پشت حسین‌اند و مهدی از آنها است «اثبات الهداة ج ۲ باب النصوص العامة علی امامة الائمة الاثنی عشر و خلافتهم»

در سقیفه این قسمت‌ها که ائمه دوازده نفر و نه نفر آنها از فرزندان حسین‌اند کنار گذاشته شد چون روایت باین ترتیب، سند خلافت علی علیه السلام میشد که در سقیفه نبود و بکفن و دفن پیغمبر پرداخته بودند خلافت ابوبکر که عمرو یارانش برای آن تلاش می‌کردند پس باید تحریف کرد این قسمت از روایت را کنار گذارد و بهمان قسمت کلی ائمه از قریش‌اند که قابل تطبیق بر ابوبکر است پرداخت.

و برای رسیدن باین منظور آنچه را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم و در موارد دیگر در باره شخص علی علیه السلام فرموده بود بدست غفلت و فراموشی سپرد و سنت و روش پیغمبر را در دادن مقام و منصب کنار

گذارد.

پیغمبر مقرر فرموده بود که ملاک بدست آوردن يك مقام منصب کفایت و لیاقت و کاردانی و درستی و امانت و علم و تقوی باشد. بامور دیگر مخصوصاً بانساب خانوادگی یا جوانی و پیری بنخودی خود اهمیت داده نشود.

در آخرین روزهای حیات جوانی بنام **اسامه** فرزند زید را که غلامی آزاد شده بود بریاست و فرماندهی بر یکی از مهمترین لشکر- کشیهای اسلام گمارد و دستور داد همه، حتی همان ابوبکر و عمر، بسر کردگی **اسامه** جوان فرزند يك غلام آزاد شده، بجنگ بروند. در جریان سقیفه برخلاف موازین اسلام پای پیرمردی و نسب خانوادگی را پیش کشیدند و گفتند پیغمبر فرموده امانت درخاندان قریش باشد. این تحریفی زیان بخش بود. پیغمبر از جانب خدای و از ده نفر معین را که دارای علم و تقوای ممتاز بودند بامامت امت معین فرموده بود.

این کجا و امتیاز قریش از غیر قریش کجا؟

بعدها بر همین اساس حکومتهای اشرافی بنی امیه و بنی عباس روی کار آمدند و با آنکه قلمرو اسلام را توسعه و تمدن اسلام را ترقی دادند اساس و ریشه اسلام، یعنی مساوات و برادری و برابری میان رئیس حکومت و مردم را از بین بردند بساط عرب و عجم را براه انداختند برای خود در بارهای باشکوه ساختند و حکومت را از مردم جدا کردند سلطنت و حکومت ثابت و موروثی را که باموازین اسلام سازگار نبود پسایه گذاری کردند و روش حکومت اسلامی را بکلی منحرف ساختند.

همانطور که اشاره شد حدیث سازی و دروغ بستن بر رسول

خدا ﷻ از همان زمان حیات پیغمبر شروع شد و بعد از وفات آنحضرت همچنان ادامه یافت. دیری نگذشت که کار حدیث سازی و دروغ پردازی بر پیغمبر ﷺ بالا گرفت و در روایات مربوط با عقائدات و احکام اسلامی تحریف سخت رخنه کرد. در این تحریفات همه عواملی که قبلاً شمردیم مؤثر بود: هم عادات دیرینه ملل مسلمان هم تمایلات و منافع شخصی، هم دخالت صاحبان ثروت و قدرت، هم برخورد با ادیان و مذاهب و مسالک دیگر و هم بر خورد با موضوعات جدید که حکم آنها بصراحت در دین پیش بینی نشده بود.

این عوامل در طول چهارده قرن آنقدر برگ و ساز بدین اسلام بسته که امروز در مسلمین قریب صد فرقه بوجود آمده و اسلام در هر فرقه و هر محیط رنگ خاصی بخود گرفته است. بناء بر این در اینکه تحریف در اسلام نیز رخنه کرده تردیدی نیست.

اکنون به بینیم برای آن چه فکری شده؟

اگر کار تحریف در دین بجائی رسد که برای کشف حقائق دین الهی هیچ وسیله ای در اختیار مردم نباشد و راه بروی همه بکلی بسته باشد البته باید پیغمبری از جانب خدا بیاید و حقائق را نه از راه تحقیق نظری و علمی بلکه از منبع وحی بگیرد در اختیار مردم سرگردان و گمراه بگذارد ولی در اسلام وضع اینطور نیست. در اسلام امتیازی هست که در هیچ يك از ادیان دیگر نیست.

این امتیاز بزرگ اینست که مدرک و ماخذ اصلی دین در اسلام قرآن کریم است و قرآن کریم از زمان پیغمبر ﷺ تا امروز کامل

ودست نخورده در اختیار همگان است . آنچه دچار جعل و تحریف شده روایات است . در مورد روایات هم دستور جامعی از پیغمبر و پیشوایان دین رسیده که میتواند وضع را کاملاً روشن کند :

روایات را نخست باید بر قرآن عرضه کرد . کلیه روایاتی که با قرآن مخالف است باید بدور انداخت . آنها که مخالف قرآن نیست هر يك مشهور ترند گرفت و اگر در این جهت باهم برابرند آنرا که را ویانش بیشتر بدرستی شناخته شده اند مقدم داشت و اگر در این جهت هم برابرند و هیچ يك باقرآن هیچگونه مخالفتی ندارد بهر يك عمل شود کافی است و در چنین موردی از دو نفر مسلمان یکی میتواند باین حدیث عمل کند و دیگری بآن . و هیچ يك نمیتواند بردیگری خورده بگیرد که چرا همانرا که من انتخاب کردم نتوان انتخاب نکردی .

اینگونه اختلافات جزئی و کم اهمیت ولی ضرر است و بهیچوجه نباید وحدت اسلامی مسلمانان را برهمزند . بنا بر این برای مسلمانان راه باز است و بر آن اساس که گفته شد میتوان کلیه تحریفاتی را که در زمینه های مختلف و بععلل مختلف در مسائل اسلامی پیش آمده و برخی از آنها باختلاف نظر شدید میان مسلمانان منجر شده از میان برد . این کار را چند شخص شایسته و بی غرض میتوانند بخوبی انجام دهند بی آنکه احتیاج بظهور پیغمبر جدیدی باشد و این است یکی از رموز خاتمیت دین اسلام و پیغمبر اسلام .

لزوم تشکیل يك مرکز تحقیقات اسلامی

برای اینکه این مهم بصورت مطلوبی انجام شود و نتایجی که بدست میآید مورد اعتماد و قبول عموم قرار گیرد باید باشکوه

ای کافی از محققین اسلام شناس مرکز تحقیقاتی مجله‌ری تشکیل شود و در کایه زمینه های اسلامی ، از امور اعتقادی و عملی چه در عبادات و چه در معاملات و احکام ، و چه در سنن و اخلاق و بتحقیق کافی و جامع بپردازد و مخصوصاً بسؤالات عصر جدید از نظر دین پاسخ دهد .

همه این واقعیت را بخوبی حس کرده ایم که آنچه امروز بنام اسلام ، بمردم ما و مردم مسلمان بلاد اسلامی و غیر اسلامی دیگر عرضه میشود نمیتواند همه مردم و مخصوصاً کسانی را که با علم امروز و دنیای امروز تماس علمی یا عملی بیشتری دارند کاملاً بخود جلب کند .

این وضع عواملی دارد که مهمترین یا یکی از مهمترین آنها نارسائی است که در عرضه تعالیم اسلام بر مردم ، دیده میشود . این نارسائی يك قسمت مربوط بشناختن کامل و صحیح اسلام است و قسمتی دیگر مربوط بشناساندن کامل و صحیح آن .

نارسائی در شناختن اسلام نیز از دو جهت است :

۱- اسلامی که امروز بر مردم عرضه میشود در قسمت عقائد و در قسمت آداب و سنن و حتی در قسمت برخی از احکام فقهی عبادی و اجتماعی دچار تحریف یا ابهام است . بر چهره تابناك تعالیم اسلام غباری غلیظ از اوهام و خرافات گوناگون ، خرافات کهنه و قدیمی و خرافات نو و متجدد یا ابهامها و پیچیدگیها نشسته و آنرا از صورت يك دین منطقی و معقول و ساده و روان که میتواند بآسانی توجه فطری افراد را برانگیزد و فطرت بیدار آنرا نرا بپذیرش و قبول وادارد خارج کرده است .

۲- در برخورد با مسائل جدید برای استنباط صحیح و روشن آنها از اصولی که اسلام تقرر کرده کوشش کافی نشده است. در تلاش و کوشش شایان بچستن و تقدیری که فقها در استنباط برخی از فروع کرده و میکنند نقصها و نارسائیهائی احساس میشود.

فقه شیعه در طول قرنهای بیشمار که از عمر آن میگذرد مراحل از کمال پیموده و پیشرفتهای شایانی نصیب شده است ولی آنچه شده نباید ما را از آنچه بایست بشود بازدارد.

فقه ما نباید در مرحله‌ای که هست متوقف شود و از سیر تکامل باز بماند.

در عصر ما استاد و فقیه محقق مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره روش علمی مناسبی در فقه و مبادی آن اتخاذ فرمود که از امتیازات روشهای علمی صحیح بمقدار قابل توجهی برخوردار بود و در حوزه‌های علوم اسلامی بخصوص حوزه علوم اسلامی قم تأثیر فراوان کرد نمیخواهم بگویم ایشان مبتکر این روش بودند. نه این روش دارای سوابق ممتدی بود و ایشان آنرا کم و بیش تکمیل و در حوزه علمی خود ترویج کردند.

بسیار بجا و لازم است که کار آن فقیه عالیقدر تعقیب و تکمیل و در تعقیب آن مخصوصاً باین نکته توجه شود که کار ایشان کاری بود که یک عالم پر ارزش و فقیه نسبتاً جامع و مطلع با استقامت و پشتکار فراوان در طول سالهای متمادی اشتغال بمطالعه و تدریس و تحقیق ولی بتنهائی انجام داده بود بنا بر این با همه ارزشی که داشت هرگز نمی-

توانست ارزش يك فعاليت علمي مشكل را داشته باشد که در آن دهه ها
نفر محقق وفقیه صاحب نظر ، همکاری و تشریح مساعی کنند ، و هر يك
ببررسی کامل ، و جامع قسمتی پردازند و کار هر کدام پیشرفت کار بقیه را
تسهیل کند .

باین نکته نیز توجه شود که مشاغل مربوط بریاست عامه
دینی و زعامت روحانی . بخصوص در سالهای اخیر هم بیشتر نیرو و وقت
آن استاد بزرگوار را می گرفت و هم محدودیتهائی برایشان ایجاد می کرد
که نمی گذارد همه نتایج تحقیق دامنه دار خود را که با سایر کار و
کوشش دریافته بودند صریح و کامل در اختیار دیگران بگذارند . و
این خود یکی دیگر از نواقصی است که باید با دسته جمعی کردن فعالیت های
تحقیقی اسلامی بر طرف گردد .

روشی که مرحوم آیه الله بر وجدی قدس سره ضمن چند سال
تدریس فقه و مبادی آن در حوزه قم ، بر کاوشگران صاحب نظر در فقه
و علوم دیگر اسلامی عرضه داشت اگر با استفاده از اصل تعاون و همکاری
متشکل علمی و فکری ، تعقیب و تکمیل شود و میدان عمل آن گسترش
یابد و به کلیه نیازمندی های علمی اسلامی ، در همه مسائل اعتقادی ،
عملی ، عبادی ، حقوقی ، اخلاقی ، فردی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی
و ... که يك ملت مسلمان زنده و پیشرو بدان نیازمند است برسد نتایج
درخشانی خواهد داد .

برای انجام این رسالت دینی و علمی و اجتماعی که بخصوص در
حیات اجتماعی کشور مسلمان و شیعی ایران آثاری گران بها دارد باید

مرکز مجهزی بوجود آید که در آن فضایی بسیار مستعد و آماده که بمقدار کافی در حوزه‌های مرکزی قم و نجف و حوزه‌های علمی شهرستانها و گوشه و کنار بلاد اسلامی وجود دارند شرکت و همکاری کنند و انجام این فریضه الهی و خدمت بسیار ارزنده و سنگین را بعهده گیرند و وسائل کار این مؤسسه از هر جهت ، مخصوصاً از جهت مدارك و مآخذ خطی و چاپی و انجام مسافرت‌های علمی لازم ، تأمین گردد و در اختیار کسانی که خود را آماده و وقف این خدمت میکنند قرار گیرد .

چنین مرکزی بیقین میتواند بسیاری از مشکلات مربوط بمسائل اسلامی را که موجب ابهام و پیچیدگی در بسیاری از شؤون زندگی مسلمانان شده و آنها را از سیر و حرکت بجلو باز داشته حل کند ، به بسیاری از مسائل مورد نیاز که هنوز طرح نشده یا اگر شده جواب روشنی بآنها داده نشده پاسخ روشن و کافی دهد ، اسلام را بسورت يك دستگاه منظم و منطقی و معقول و مشخص و صریح و معلوم ، از عقائد و قوانین و احکام و آداب و سنن در همه شؤون ، استنباط و بر مردم عرضه کند و دین را بصورت يك ایدئولوژی کامل و مجهز که از عهده راهنمائی دینداران در کلیه شؤون زندگی امروز و فردا برمیآید ، بآنها بشناساند .

در این صورت است که میتوان مطمئن شد فطرت‌های آماده بچنین نظام عقیده و عمل ، تسلیم شود و با بکار بردن قوانین روشن و کافی حقوقی و اخلاقی آن مشکلات معنوی و مادی ، فردی ، خانوادگی اجتماعی و اقتصادی خود را حل کند و بسعادتی مطلوب نائل آید .

آنچه باید در تأسیس این مرکز تحقیقات اسلامی مراعات شود:

مرکز تحقیقات اسلامی که بتواند این رسالت خود را در تاریخ زندگی بشر، بخصوص ملل مسلمان، بخوبی انجام دهد باید صفات و مشخصات زیر را دارا باشد:

۱- عدد کافی از ارباب تحقیق در رشته‌های مختلف علوم اسلامی یعنی علمی که برای شناختن صحیح و کامل اسلام مورد نیاز است، در آن شرکت داشته باشند.

۲- همه افراد مذکور علاوه بر صلاحیت علمی و دارا بودن درجه اجتهاد در رشته‌ای که تحقیق در آنرا بعهد میگیرند در رشته‌های دیگر علوم اسلامی نیز مطالعات قابل توجهی داشته باشند.

۳- بروشهای تحقیق در علوم نقلی و تاریخی، چه آنها که در ادوار مختلف علوم اسلامی معمول بوده و چه آنها که دیگران در تحقیقات علوم نقلی و تاریخی بکار میبرند، بخصوص روشهای تحقیقی اخیر غربیان کاملاً آشنا باشند.

۴- از علوم طبیعی روانشناسی حقوق و جامعه‌شناسی جدید بهره کافی داشته باشند.

۵- با واقعیاتی که در محیط زندگی مردم هست در تماس باشند ضرورات زندگی را درک کنند. شرائط و مشکلات و موانع یا تسهیلات گوناگون را که در محیطهای مختلف زندگی بشر هست، بشناسند و در صورت لزوم برای تماس نزدیک با این حقائق سفرهای دور و نزدیک بروند و زندگی مردم را از نزدیک به بینند.

۶- کاوشگران و محققین این مرکز برآستی در صدد شناسائی تحقیقی اسلام باشند؛ نه آنکه بخواهند اسلام را بر طبق خواسته‌های آن از عوام یا خواص، متقدم یا متجدد در آورند و فهم خود را بر آنچه محیط می‌پسندد تطبیق کنند.

۷- در انجام این کار خطیر بیش از هر چیز برضای خدا توجه داشته باشند نه بکسب مال و ثروت یا جاه و شهرت یا ریاست و زعامت، تا خود بخود از بسیاری از لغزشهای علمی مصون مانند.

۸- از شجاعت و صراحت علمی که برای یک محقق لازم است برخوردار و از نفوذ قدرتهای گوناگون مصون باشند.

با اجرای این طرح تقیصه‌ای که در شناختن اسلام است بر طرف میشود و زمینه برای بهتر شناساندن اسلام چه در داخل و چه در خارج آماده میگردد. ماضن عمل بخوبی دریافته ایم که بسیاری از نقائصی که فعلا در طرز تبلیغ و شناساندن اسلام هست، از خوب نشناختن اسلام سرچشمه گرفته است. نخست باید ما خود اسلام را خوب بشناسیم تا بتوانیم آنرا بدیگران خوب بشناسانیم.

برای خوب شناساندن اسلام و رفع نواقص و نارسائیهای دیگری که اکنون در روش تبلیغ و دعوت و تعلیم و تربیت دینی مسلمانان دیده میشود بحث کافی مستقلی لازم است که باید در فرصت مساعدی بآن پرداخت.